

با اعتراض به یورش همه جانبه ارتش ترکیه به یاری انسان‌های ساکن روژآوا بپاخیزیم!

پس از تهدیدهای متعدد، سر انجام در روز چهارشنبه 9 اکتبر 2019 مطابق با 17 مهرماه 1398، ارتش ترکیه به فرمان اردوغان، از زمین و آسمان، به طور همه جانبه و با حمایت گروه‌های مزدور و بنیادگرای اسلامی، دست پرورده اردوگاه‌های نظامی و امنیتی حکومت راست گرای ترکیه، به مرز شمال سوریه یورش برد. در این حملات تا به امروز صدها



نفر جان باخته اند و انسان‌های بی شماری زخمی شده و بیش از ۱۳۰ هزار نفر از ساکنین این مناطق آواره شده اند. بنا به گفته اردوغان، هدف از این حملات، پاکسازی یگان‌های مدافع خلق «ی.پ.گ.» از شمال سوریه و اسکان حدود دو میلیون پناهنده سوری عرب تبار مقیم ترکیه برای ایجاد «منطقه امن» است. اعلام خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوی ترامپ نقش تعیین کننده ای در اجرای این تجاوز اشغالگرانه بازی کرد و مردمان این منطقه، به ویژه مردم کرد را قربانی دسیسه های قدرت‌های جهانی و همچنین متحدان آنها در یک جنگ منطقه ای ساخت. گرچه این هجوم در محافل دیپلماتیک به عنوان اقدامی ناقص آشکار حقوق بین الملل و تمامیت ارضی کشور سوریه اعلام شد، اما در افکار عمومی صلح طلب جهان، گامی در راستای تشدید بحران منطقه ارزیابی می شود. تا کنون جنگ‌های خانمانسوز موجود و تداوم درگیری های گسترده نظامی قدرت‌های جهانی و منطقه ای، نه تنها به قیمت جان باختن هزاران انسان بی دفاع انجامیده است، بلکه سبب افزایش فقر و مسکنت انبوه میلیونی مردمان این بخش از جهان شده است.

پیروزی نیروهای «ی.پ.گ.» و هم پیمانانش در نبرد کوبانه علیه وحشیانه ترین نیروی بنیادگرای فاشیستی - مذهبی داعش و استقرار جامعه خودگردان به ابتکار کنشگران جنبش روژآوا در مرزهای جنوب ترکیه، حکومت ارتجاعی و مذهبی افراطی حزب عدالت و توسعه این کشور به رهبری اردوغان عوام فریب را با چالش جدیدی روبرو کرد.

اردوغان در برابر سیاست های استقبال ملی و بین المللی از جنبش روژآوا، به سیاست های سرکوبگرانه به قصد جلوگیری از اعتراضات اقشار و طبقات مردم روی آورده است. بگیر و بندهای متعدد به بهانه "تروریسم" و افزایش حملات به کنشگران نیروها و احزاب کردی و متحدان آن ها در ترکیه، حمله نظامی و بمباران منطقه شمال سوریه در دستور روز سیاست های اقتدارگرایانه او قرار داد.

رژیم راستگرای ترکیه بر آن است که با نابودی روژآوا و دستاورد های فرهنگی و اجتماعی مردمان این خطه، برنامه دموکراتیک و همزیستی آزادانه ملیت های گوناگون با باور های متفاوت و فرهنگ های چند گانه را بر هم زند. روابط برابر حقوقی بر پایه عدالت اجتماعی، تهدید بزرگی برای سلطه طلبان ترک افراطی محسوب می شوند و بدین جهت در صدد نابودی آن در همسایگی خود هستند

با قیام مردم سوریه علیه حاکمیت خودکامه خاندان اسد، جنبش دموکراسی خواهی که کرد های سوریه ای و یاران متحدش در پیشاپیش آن بودند، توانست در بطن جنگ ویرانگر و فرسایشی داخلی، ساختار سیاسی و اجتماعی را ایجاد کند که در چارچوب آن زنان و مردان ملیت های گوناگون (آسوری، یزیدی، ارمنی، عرب، کرد، ترکمن) قادر شدند در یک همکاری مشترک گامی جدی در راستای صلح، سلطه زدائی و مردم سالاری بردارند. در طی 6 سال به آن چنان روابط اجتماعی دست یافتند که در آن شوراهای مردمی حاکم به سرنوشت خویش، با زنانی در جایگاهی برابر با مردان در تمام عرصه های زندگی دست به کار شدند و مردمان این دیار پس از نیم قرن محرومیت در زیر سلطه اقلیت شیعی بار دیگر همچون شهروندانی برابر حقوق با اتکا به هویت خود در امور اجتماعی مشارکت کردند. در طی این سال ها از دل این کوشش های خستگی ناپذیر، بدیلی سر برون آورد که می تواند در روند توسعه و پیشرفتش راهکاری آزموده و در خور برای حل مناقشات و منازعات کشور ها، ملل و اقوام ساکن منطقه خاور میانه به نفع استقرار و گسترش دموکراسی باشد و زمینه مناسبی برای مشارکت فراگیر بخش های گوناگون مردمی در یک همزیستی مسالمت آمیز و صلح جویانه ای فراهم کند.

روژآوا آزمون دیگری از تجارب کنشگران راه دگردیسی روابط موجود بر مبنای خودگردانی و فصلی از روند رهائی، مانند چیپا در مکزیک و دیگر جنبش های جهانی می باشد. هم از این رو مورد حملات ارتجاع جهانی و بومی است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران هجوم نیروهای نظامی

دولت ترکیه به روژآوا را به عنوان یورش به تمام دموکراسی طلبان، آزادی خواهان و صلح جویان جهان می‌داند و شدیداً آن را محکوم می‌کند و دست اندازی جنایتکارانه ارتش ترکیه به آن خطه را اقدامی در راستای سرکوب رهائی خواهی مردمان جهان می‌داند. ما با همدلی و همدردی، همبستگی عمیق خود را با ساکنین منطقه شمال سوریه که هدف تهاجم وحشیانه قرار دارند، اعلام می‌کنیم. ما تمام افراد، نیروها، جنبش‌ها و نهادهای مدافع دموکراسی، آزادی، استقلال و صلح را فرا می‌خوانیم که در برابر این حملات جنایتکارانه به پا خیزند و خواستار توقف فوری آن شوند و بدینگونه سهمی برای جلوگیری از وقوع فاجعه انسانی دیگر به عهده بگیرند.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۳ مهر ۱۳۹۸ - ۱۵ اکتبر ۲۰۱۹

پیام به هشتمین همایش اتحاد جمهوری خواهان ایران

پیام جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران به

به هشتمین همایش اتحاد جمهوری خواهان ایران

هم میهنان گرامی

درود های گرم و صمیمانه ما را به مناسبت برگزاری هشتمین همایش اتحاد جمهوری خواهان ایران بپذیرید.

همایش شما در شرایطی برگزار می شود که ایران پس از چهار دهه استقرار حاکمیت دین سالار با اوضاع به شدت بحرانی در عرصه های داخلی و خارجی روبروست. تعمیق روز افزون شکاف های طبقاتی دامنه فقر و مسکنت اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی را به گونه ای بی سابقه توسعه داده است. در اثر این شرایط روزانه شاهد برآمدن

اعتراضات و اعتصاب های ناشی از نارضایتی های موجود به اشکال مختلف در سراسر کشور می باشیم. در پیشاپیش این اعتراضات فراگیر، کارگران، زنان، آموزگاران، بازنشستگان، دانشجویان و اقوام و ملیت ها برای پیگیری حقوق و خواست های دموکراتیک خویش به میدان آمده و کلیت وجود نظام جمهوری اسلامی را به چالش می کشند. امروز به یمن مبارزات مردمی، برجیده شدن نظام جمهوری اسلامی و براندازی رژیم تبعیض و سرکوب حاکم، به خواست بخشهای بزرگی از مردمان کشور تبدیل شده است. پژواک رسای " نه به جمهوری اسلامی " در فضای سیاسی کشور، موجب ترس و وحشت نهادهای سرکوبگر شده و مطالبات به حق مردمی با یورش همه جانبه این ارگان ها پاسخ داده می شوند.

ادامه سیاست های برتری طلبانه و تنش زای جمهوری اسلامی در سطح بین المللی و تحریکات سپاه پاسداران در سطح منطقه ای، همچنان به سیاست های سلطه طلبانه قدرت های جهانی و متحدین آنان به ویژه آمریکا در خاور میانه یاری می رساند. به رغم اعلام رسمی مقام های مسئول دو کشور ایران و آمریکا مبنی بر عدم تمایل به جنگ، کمابیش ادامه تحریک ها و تهدیدهای فزاینده راهبردی در جهت زمینه سازی برای جنگ افروزان است و هر لخته می تواند جنگ ویرانگر دیگری را شعله ور کند و زیان و آسیب های نابود کننده و غیر قابل جبرانی را برای مردمان منطقه و بشریت به بار آورد.

برون رفت از این وضعیت نابسامان و بحرانی، پیش از هر چیز در گرو پایان بخشیدن به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان مقدم ترین گام برای هر گونه تغییرات بنیادین اجتماعی و سیاسی است. تحقق آزادی، برابری و عدالت اجتماعی از طریق استقرار جمهوری، دموکراسی و جدائی دولت و دین در ایران بر پایه ساختاری غیر متمرکز تنها با برجیدن نظام جمهوری اسلامی در تمامیت آن قابل دسترسی است. ناگفته پیداست که امروزه دستیابی به این مناسبات و روابط اجتماعی در فردای براندازی، بیش از هر زمان وابسته به تشکل یابی توانمند و همسوی جنبش های اجتماعی و نیرو ها و جریان های سیاسی در این راستا

می باشد. طیف جمهوری خواهان دموکرات با تکیه بر توان های فکری و تجربی خود می تواند نقش موثر و مفیدی در راه پشتیبانی جنبش های اجتماعی به سوی دموکراسی ایفا نماید. پاسخ گوئی به این وظیفه مبرم، مشروط به غلبه بر پراکنگی و ایجاد هماهنگی و هم سوئی از طریق همکاری های فکری و میدانی گروه ها، سازمان ها و جریان های متعلق به این طیف است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران همچون گذشته با تاکید بر ضرورت سامان بخشی به مبارزه قاطع و کارآمد علیه رژیم تمامیت خواه و سرکوبگر، از هرگونه ابتکار در این راستا با اشتیاق و گرمی استقبال می کند و با استفاده از توان خود برای ایجاد همراهی و همبستگی با دیگر نیروهای جمهوری خواه و دموکرات به طور جدی گام برمی دارد. ما اطمینان داریم که اعضای حاضر در همایش، با توجه به موضوع های مورد گفت و گو و پرهیز از هرگونه تحولات تدریجی واهی در درون نظام جمهوری اسلامی ایران به سوی دموکراسی، گام های سنجیده ای برای تحقق " گذار به جمهوری دمکراتیک و لائیک" بردارند.

در پایان ما صمیمانه برای دست اندرکاران همایش موفقیت آرزو می کنیم و برای پیشبرد یک مبارزه قاطع علیه رژیم دست یاری به سوی شما دراز می کنیم .

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

مهرماه 1398 - اکتبر 2019

**پیام شورای هماهنگی جنبش
جمهوری خواهان دموکرات و لائیک
ایران به کنگره حزب مردم
بلوچستان**



تماس با ما : jomhourī.democrat.laīc@gmail.com

تارنمای ندای آزادی. □ : [/http://nedayezady.org](http://nedayezady.org)

تماس با ندای آزادی. : jjdli.nedayezadi@gmail.com

=====

هم میهنان!

شادباش های صمیمانه ما را به مناسبت برگذاری کنگره حزب مردم بلوچستان که نمادی از اراده راسخ و خستگی ناپذیر زنان و مردان حزب در راه ادامه مبارزه به شکلی منسجم تر و گسترده تر برای کسب حقوق دموکراتیک پایمال شده مردم بلوچستان می باشد، بپذیرید.

دوستان!

همانگونه که شاهدید، تاخت و تازهای قدرت های جهانی در گوشه و کنار جهان بر سر نفوذ و سلطه بیشتر، کماکان ادامه دارد. در منطقه خاورمیانه، این کشاکش ها با ماهیتی خشونتبارتر و ویرانگرتر در اشکال جنگ های منظم و نا منظم خود را نمایان کرده اند. پیامد و آثار این سیاست های رقابتی و سلطه جویانه قدرت های جهانی (آمریکا، روسیه، چین و اروپا...) به کمک متحدان منطقه ای (اسرائیل، عربستان سعودی، ایران، ترکیه و...) تاکنون ارمغانی به جز جنگ و خونریزی، بی خانمانی و آوارگی، فقر، ترور و خفقان، تخاصمات فرقه ای قومی و فروپاشی شیرازه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای میلیون ها انسان ساکن در کشورهای این منطقه (افغانستان، عراق، سوریه و یمن...) نداشته است.

مردمان ایران نیز از پیامدها و آثار زیانبار این سیاست ها بی

نصیب و مصون نمانده اند. بازگشت تحریم ها و تشدیدشان پس از خروج آمریکا از "برجام" که در واکنش به سیاست های برتری جویانه و نفوذ طلبانه جمهوری اسلامی به کار گرفته شده و به قصد مهار رژیم جمهوری اسلامی ایران در چارچوب منافع آمریکا و متحدانش در منطقه در دست اجراست، تاثیرات فلج کننده ای را تا حد فروپاشی بر اقتصاد کشور وارد آورده است. علاوه بر این، عمیق تر شدن بحران های حاصل از سه دهه تعدیل اقتصادی به قیمت فربهی هر چه بیشتر تعداد ناچیز ثروتمندان به موازات فقر و مسکنت بی سابقه انبوه بی شمار مزدکاران و حقوق بگیران تمام شده و اقشار و طبقات گسترده مردمی را زیر فشارهای کمرشکن تامین زندگی بخور و نمیر قرار داده است. ورشکستگی واحدهای تولیدی و تعطیل مراکز صنعتی همراه با فروپاشی شبکه های تولیدی - توزیعی وابسته به این مراکز، بیکاری فزاینده ای را به بار آورده و با رشد تورم نجومی همپا با سقوط ریال به توسعه فقر، ابعاد غیر قابل تصویری داده است. در چنین شرایطی تحت حاکمیت رژیم تبعیض گرا، خودکامه و تمامیت خواه دینی و زیر سایه سیاست های ناکارا و نابخردانه دولت های فاسد نظام جمهوری اسلامی، چه در عرصه داخلی و چه در سطح خارجی، اقشار و طبقات گسترده ای با وضعیت فلاکت بار و تهدید آمیزی دست بگریبانند.

همراهان!

گرچه فقر و مسکنت در ایران پس از چهل سال سلطه نظام جمهوری اسلامی امروز به پدیده ای عمومی و سراسری تبدیل شده، اما وسعت و عمق این پدیده در مناطق مرزی و مسکونی اقوام ایرانی، گویای فقر فلاکت بار و محرومیت فاجعه بار در سطح دیگری است. با اینکه دامنه فقر و مسکنت در مناطقی مانند کردستان، کهگیلویه، بویراحمدی، لرستان، خراسان و خوزستان هم بی داد می کند با این وجود به گواهی آمار و ارقام و همچنین گزارش های رسمی و غیر رسمی باید اذعان کرد که مردم بلوچ در سایه تضعیقات و تبعیض های دولت مرکزی محرومترین ملیت ساکن سرزمین ایران اند. نابسامانی های این خطه تا به حدی است که حتا نماینده زاهدان هم در مجلس شورای اسلامی مجبور به اعتراف است که 75% مردم سیستان و بلوچستان زیر خط فقر زندگی می کنند و 95% ساکنین این منطقه به غذا و امکانات تغذیه ای مناسب دسترسی ندارند. دامنه بحران های این بخش از کشور آن چنان گسترده و عمیق است که حتی نهادهای حمایتی هم قادر به کمترین پاسخی به ابتدائی ترین نیازهای مردم بلوچستان نیستند. فقدان برنامه ها و اقدامات لازم به منظور توسعه پایدار در سطح محلی و منطقه ای به

موازات بی اعتنائی ارگان ها و نهاد های حکومتی نسبت به مشکلات و مسائل مردمان این نواحی وضعیت نابرابر و نابسامانی را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق توسعه ای ناموزون در هیئت فقری گسترده و محرومیتی مزمن و ساختاری به زندگی مردم بلوچ تحمیل کرده است .

رهائی از این ستم ها در گرو مشارکت مستقیم، آزادانه و دموکراتیک مردمان ایران در سرنوشت خویش است که تنها با استقرار جمهوری، دموکراسی، جدائی دولت و دین در ساختاری غیر متمرکز/ فدرالی بر مبتای برابر حقوقی شهروندی قابل دسترسی است. برقراری چنین مناسباتی پیش از هر چیز با همکاری و همگامی نیروهای جمهوری خواه دموکرات در راستای براندازی رژیم و تحقق همگرایی و همزیستی دموکراتیک، آزادی خواهانه و عدالت طلبانه مردمان متنوع سرزمین مشترکمان، به کمک ایجاد پیوندهای عمیق و ناگسستنی جنبش های اجتماعی، سیاسی و مدنی در ایران میسر است. جنبش های به حق تبعیض ستیز و دموکراتیک اقوام و ملیت های گوناگون ایرانی در شرایط حساس کنونی بیش از هر زمان نیازمند حمایت و همیاری نیروهای سیاسی و جنبش های اجتماعی و مدنی سراسری در ایران اند. ما در جهت تحقق این چشم انداز، دست همکاری با شما را می فشاریم و امیدواریم که کنگره حزب مردم بلوچستان با تکیه بر ارزیابی های دقیق و روشن از وضعیت پیچیده و حساس منطقه و کشور، موفق به اتخاذ تصمیم های کارساز، لازم و ضروری جهت پیشبرد مبارزات به حق مردم بلوچستان از طریق همبستگی و همسوئی با مبارزات دموکراسی خواهانه، آزادی جویانه، عدالت طلبانه مردمان ایران دست یابد.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۴ سپتامبر ۲۰۱۹ برابر با ۱۳ شهریور ۱۳۹۸

پیام به «همبستگی جمهوری خواهان

ایران»



تماس با ما : jomhuri.democrat.laic@gmail.com

تارنمای ندای آزادی. : [/http://nedayeazady.org](http://nedayeazady.org)

تماس با ندای آزادی. : jjdli.nedayeazadi@gmail.com

=====

پیام به پنجمین همایش سالانه سازمان همبستگی جمهوریخواهان ایران

دوستان گرامی!

درودهای گرم و صمیمانه‌ی ما را به پنجمین همایش سالانه‌ی خود پذیرید.

همایش شما در زمانی برگزار می‌شود که ایران و خاورمیانه در وضعیتی بحرانی، حساس و پرخطر قرار دارند. در چنین شرایطی، شما، با قرار دادن موضوع "....." در سرلوحه‌ی گفتگوهای تان، به راستی انگشت روی امر سیاسی مبرمی گذاشته‌اید. ما امیدواریم که در راه فراهم نمودن زمینه‌های همکاری و هم‌سویی هر چه بهتر و گسترده‌تر جمهوریخواهان دموکرات ایران، نشست شما موفق به گرفتن تصمیم‌هایی کارساز گردد.

می‌دانیم که خاورمیانه امروز تبدیل به میدان اصلی سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و همچنین فرقه‌های ارتجاعی بنیادگرای اسلامی شده است. از یکسوی، قدرت‌های جهانی چون ایالات متحده آمریکا و رقیب‌هایش چون روسیه، اتحادیه اروپا و چین دخالت‌گری، اعمال

نفوذ و سلطه می‌کنند و از دیگرسوی، برای استقرار هژمونی خود بر خاورمیانه، قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران، عربستان سعودی، اسرائیل، ترکیه و غیره، دست به رقابت و ستیز با هم می‌زنند. سرانجام، در همین منطقه، ما با حضور و عملیات گروه‌های بنیادگرای اسلامی رو به رو هستیم که همچنان فعال می‌باشند. اینان همگی، در کشمکش و یا تبانی با هم، در مقابل جنبش‌های رهایی‌خواهانه مردم خاورمیانه قرار گرفته‌اند. مردمانی که خواهان آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و تعیین سرنوشت خود به دست خود می‌باشند.

از سوی دیگر، امروزه ما در کشورمان، با سیاست‌های بی‌نهایت شوم و ضد‌مردمی رژیم جمهوری اسلامی ایران، با پیشینگیِ چهل ساله، مواجه هستیم. با رژیم سر و کار داریم که یک دیکتاتوری تئوکراتیک تمام عیار در داخل و یک قدرت هژمونی‌طلب در خارج است. با رژیم فاسد، بی‌کفایت و مستبد که در همه‌ی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌بومی... کشور ما را به سوی فقر و قهقرا و چه بسا جنگی ویران‌گر سوق می‌دهد.

در چنین وضعیت نابسامانی، که ناشی از بحران‌های ساختاریِ چندگانه است، با تشدید فشارهای اقتصادی و اجتماعی، که از جمله، اما نه به طور عمده، ناشی از تحریم‌هاست، که مسبب اصلیِ این تحریم‌ها نیز خودِ رژیم جمهوری ایران با برنامه‌های اتمی و هژمونی‌طلبانه‌اش است، زمینه‌های مناسبی در ایران برای رشد و توسعه‌ی مبارزات ضدسیستمی در راه دگرگونی‌های بنیادین فراهم شده‌اند. ما امروزه با اوضاع سیاسی و اجتماعیِ نوینی رو به رو هستیم و آن، در یک کلام، این است که اقشاری بیش از پیش گسترده از مردم - از زنان، زحمتکشان و معلمان تا جامعه‌ی مدنی، دانشجویان، روشنفکران و جنبش‌های دموکراتیک و برابری‌خواهانه‌ی اقوام در مناطق مختلف کشور - خواهان برچیده شدن نظام جمهوری اسلامی در تمامیت‌اش می‌شوند و نسبت به امکان اصلاح‌پذیریِ نظام کمتر توهمی به خود راه می‌دهند.

اما براندازی رژیم و ایجاد تغییرات رادیکال و بنیادینِ اجتماعی و سیاسی در ایران مشروط به هم‌بستگی، هم‌سوئی و تشکل جنبش‌های اجتماعی در راستای آزادی، جمهوری، دموکراسی، جدایی کامل دولت و دین و عدالت اجتماعی است. و خوب می‌دانیم که این شرط لازم و ضروری در فرایند جنبش‌های اجتماعی در ایران هنوز شکل نگرفته است. در این رابطه اما، نیروهای اپوزیسیون مترقی، از جمله در خارج از کشور، یعنی جمهوری‌خواهانِ دموکرات، می‌توانند از راه هم‌کاری و هم‌کوشی میان خود بر مبنای حداقل چشم‌انداز برای تغییرات در پهنه‌ی اجتماعی

و سیاسی کشور، در پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی داخل کشور و کمک فکری و نظری و انتقال تجربیات خود به این جنبش‌ها، نقشی معین و مفید ایفا نمایند.

با این حال، شوربختانه امروزه مشاهده می‌کنیم که اپوزیسیون مترقی و جمهوری‌خواه ایران، با وجود برخورداری از نفوذی معین در میان گروه‌ها و اقشار پیشرو جامعه و برخورداری از توان‌هایی فکری و تجربی، هنوز با پراکندگی شدید و شکننده رو به رو است و فاقد هم‌سوئی و هماهنگی لازم برای یاری رساندن به روند جنبش‌های اجتماعی در داخل کشور است. برای رفع این کمبود و همچنین به منظور تحقق هم‌گرایی به عنوان نیازی مبرم، جمهوری‌خواهان دموکرات طرفدار جدایی دولت و دین و جریان‌های گوناگون این طیف گسترده، می‌باید گام‌هایی جدی در راه همکاری‌های ضروری میان خود بردارند.

ما بر این باوریم که از یکسوی، با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و بازشناختن اشتراک‌ها و اختلاف‌ها با هدف فراهم نمودن زمینه‌های همکاری، همان‌گونه که چندی پیش با برخی از دوستان "همبستگی جمهوری‌خواهان ایران" انجام دادیم، گفتگو‌هایی داشتیم که امیدواریم ادامه پیدا کنند، و از سوی دیگر با دست زدن به اقدام‌هایی مشترک که می‌توانند بر پایه‌ی اصول و مبانی نام‌برده در بالا انجام پذیرند، بستری گسترده‌تر و فعال‌تر برای پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران به وجود آید. در شرایط کنونی، در روند چنین همکاری‌های مشترکی است که اپوزیسیون مترقی و جمهوری‌خواه می‌تواند نقشی تأثیرگذار و مفید در پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی در ایران، در پشتیبانی از مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و جامعه‌ی مدنی، و همچنین در پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی در میان اقوام مختلف ساکن کشورمان، در راه کسب آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی مردمان مختلف ایران، ایفا کند.

دوستان گرامی!

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران، از ابتدای تشکیل در سال 2004 تا کنون، و امروزه بیش از هر زمانی دیگر، بر این امر مهم تأکید ورزیده و می‌ورزد که پیش‌برد مبارزه‌ی کارآمد علیه جمهوری اسلامی نیاز به همکاری و هم‌کوشی همه‌ی نیروهای جمهوری‌خواه دموکرات و لائیک دارد. ما بر این باوریم که جنبش‌های اجتماعی در ایران تنها در همراهی، اتحاد و همبستگی باهم، تنها با اتکا نه

نیروی خود و با در دست گرفتن سرنوشت خود به دست خود و برای خود، در استقلال، خودمختاری و مخالفت با دخالت‌گری قدرت‌های سلطه‌طلب، قادر خواهند شد بر مانع اصلی هر گونه تحول و تغییر در ایران که همانا، در مرتبه‌ی نخست، موجودیت خودِ نظام جمهوری اسلامی است چیره شوند و با سرنگونی این رژیم دین‌سالار، شرایطی مساعد برای جمهوری‌نویین، لائیک و غیر متمرکز بر اساس آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت اجتماعی و حقوق بشر در ایران فراهم آورند. در پشتیبانی از این جنبش‌های داخل کشور، اپوزیسیون جمهوری‌خواه متریقی و رادیکال در خارج از کشور می‌تواند و باید دست به همکاری و هم‌گرایی گسترده میان خود زند.

ما امروز برای شما، به مناسبت پنجمین همایش سالانه‌ی‌تان، بهترین آرزوهای کامیابی را داریم.

ما، در راه برچیدن نظام جمهوری اسلامی ایران با سمت‌گیری بر مبنای جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین و حقوق بشر، دست شما را برای هر گونه همکاری‌هایی مشترک می‌فشاریم.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران

10 شهریور 1398 - اول سپتامبر 2019

**اطلاعیه جنبش جمهوری‌خواهان
دموکرات و لائیک ایران**

13 مرداد 1398 - 4 اوت 2019

در ژوئیه ۲۰۱۹ (تیر ماه ۱۳۹۸)، برخی رسانه‌های خارجی به زبان فارسی اخباری درباره ملاقات بین چهار سازمان کردستان ایران با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ایران منتشر کردند.



با توجه به نکات پر اهمیت سیاسی چه در مورد فوق و چه برخی موضوعات سیاسی دیگر، ما وظیفه‌ی خود می‌دانیم که مواضع اصولی و دیدگاه‌هایمان را به مثابه بخشی از اپوزیسیون مترقی ایران در خارج از کشور اعلام داریم:

۱- ما هر گونه مذاکره با رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی ایران، به هر شکل، ترتیب و توجیه، چه مخفی و چه علنی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، از سوی هر سازمان یا حزب اپوزیسیونی را شدیداً محکوم می‌کنیم. همواره این گونه مذاکرات به نفع ادامگی حیات دیکتاتوری‌ها و به زیان جنبش عمومی و سراسری و متحد مردم برای رهایی خود تمام شده و می‌شوند. هر گونه رفتار مماشات‌طلبانه با رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دوباره به توهم اصلاح‌پذیری نظام و امکان مبارزه‌ی اصلاح‌طلبانه در چهارچوب این سیستم، که با امواج جنبش‌های اعتراضی مردم بی‌اعتبار شده‌اند، دامن بزند.

۲- ما مخالف هر گونه دخالت قدرت‌های بزرگ در امور ایران هستیم. ما سیاست‌های دخالت‌گرانه و برتری‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، سیاست‌های سلطه جویانه و سیادت طلبانه‌ی آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی (روسیه، چین و اتحادیه اروپا) و هم چنین قدرت‌های منطقه‌ای (عربستان سعودی، اسرائیل...) را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما مخالف جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی و آمریکا و دیگر قدرت‌ها در منطقه هستیم. ما معتقدیم که سرنوشت مردم خاورمیانه از جمله مردم ایران باید تنها و تنها به دست خود آنان، بدون دخالت‌ها و آلترناتیوسازی‌های قدرت‌های جهانی، تعیین شود.

۳- ما خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط خود مردم ایران از راه جنبش‌های اجتماعی، مدنی، انجمنی و احزاب آن‌ها هستیم. ما از هیچ کوششی برای پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی مردم

در داخل کشور، مانند جنبش های زنان، دانشجویان، کارگران و اقوام تحت ستم و تبعیض، در راه رسیدن به آزادی، جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین (لائسیته)، عدالت اجتماعی و دولتی غیر متمرکز دریغ نخواهیم کرد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

13 مرداد 1398 - 4 اوت 2019

بیانیه سیاسی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

8 ژوئیه ۲۰۱۹ - 17 تیر 1398

ایران در سرایشی ورشکستگی اقتصادی

تداوم سیاست های مخرب جمهوری اسلامی فشار را بر گرده اقتصاد و زندگی بخش بزرگی از مردم در چهل سال گذشته وارد آورده است. در مجموع این سیاستها به صورت فراگیر اقتصاد را به شکل های مختلف زیر فشار قرار داده اند تا راه برای انباشت و سود قدرت های اقتصادی حاکم و اقلیتی بسیار ثروتمند باز شود. در نتیجه درآمد و توان پس انداز خانوارها که شاخص زندگی و رفاه بشمار می آید به شدت کاهش پیدا کرده است. رکود اقتصادی در ایران، بیداد می کند. این رکود به معنای سقوط سطح تولید صنایع، افت محصولات کشاورزی، ورشکستگی بانک ها، بیکاری گسترده، بی اعتمادی به بازار و آینده ی سرمایه گذاری است. افت سرمایه گذاری داخلی و خارجی، فساد اداری بصورت رانت خواری نورچشمی های نظام اسلامی، سوء مدیریت بنگاه های خصوصی، کاهش چشم گیر تولید ناخالص داخلی، سقوط توان تولیدی را دامن زده و به بیکاری و از بین رفتن امکانات معیشتی منتهی شده است.

رشد فقر و نابسامانی‌های اجتماعی

امروزه قیمت کالاهای مورد احتیاج مردم بخاطر بی‌ارزش شدن ریال و تورم و وابستگی اقلام معیشتی مردم به واردات و صادرات آن چندین برابر شده است. نظام اسلامی برای رفع این معضل، دلارهای نفتی را به قیمت پایین در اختیار خودی‌ها قرار داد و آن‌ها ارز حاصله از فروش را به جیب زده و مشکلات را بیش‌تر کردند. افزایش هزینه مسکن و کاهش سطح واقعی دستمزدها و نیز بیکاری و ناکافی بودن درآمدهای کارهای موقت و کشاورزی در سال گذشته موجب کوچ خانوارهای کارگری و کم درآمد به مناطق حاشیه نشین شد است. علاوه بر این ناچیز بودن برنامه‌های عمرانی روستاها و شهرهای مناطق محروم و مرزی کشور و تشدید بحران محیط زیست، بانی مهاجرت میلیونی ساکنین این مناطق به کلان شهرها شده و حاشیه نشینی را به طور بی سابقه ای گسترش داده است. تنها در سال گذشته به جمعیت حاشیه نشینان بیش از یک میلیون تن اضافه شده و تعدادشان از ۱۹ میلیون نفر گذشته است. به گفته کارشناسان اقتصادی ایران خط فقر مطلق برای یک خانوار ۴ نفره شهری در کشور حداقل ۴ میلیون تومان در اوایل سال گذشته اعلام شده بود. بر این اساس بیش از ۳۳٪ مردم ایران یعنی در حدود ۲۸ میلیون نفر دست به گریبان فقر و بخاطر رشد منفی اقتصادی و نبود کار ناتوان از بیرون آمدن از زیر خط فقر هستند. به این وضعیت فلاکت بار باید پیامد های فاجعه بار زلزله دو سال گذشته و سیلاب های بهار امسال را در بسیاری از استان های کشور اضافه کرد که به علت اجرای سیاست های غلط توسعه عمرانی ناپایدار و بدون رعایت معیارهای استاندارد محیط زیستی موجب ویرانی بی حد زیرساخت های شهرها و روستاها شد و دار و ندار هزاران خانوار تهیدست و زحمتکش را که در طول عمر خود با زحمت زیاد اندوخته بودند، به آب داد. اعتراض های به حق مردم سیل زده به سوء مدیریت و ناکارائی مدیریت بحران در تامین سرپناه، غذا، پوشاک و بهداشت و ایدئولوژیک برخورد کردن به کمک های انسان دوستانه خارجی و رد پذیرش آن حتا با یورش نیروهای سرکوب روبه رو شد. تلاش ها و همیاری و امداد رسانی مستقل مردمی و نهادهای غیردولتی با برقراری فضای امنیتی مورد پیگرد و دستگیری نیروهای ضربتی رژیم قرار گرفت و اجناس ارسالی آن‌ها نیز به نفع خودی‌هایشان مصادره شد.

اوضاع بحرانی ایران و خاورمیانه

منطقه خاورمیانه در صد سال گذشته بحران های ژئوپلیتیکی متعددی را پشت سر گذاشته است. این بحران ها در بسیاری از موارد با مداخلات مستقیم قدرت های بزرگ جهانی به منظور حفظ منافع سیاسی، اقتصادی، استراتژیکی شان در منطقه انجام گرفته و یا به طور غیر مستقیم، از طریق قدرت های منطقه شروع شده و سپس به مداخلات قدرت های بزرگ منجر شده است. چالش های بزرگ منطقه خاورمیانه از جمله جنگ های افغانستان، عراق، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین و کشاکش های جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه و با ایالات متحده آمریکا را می توان بخشی از این بحران ها به شمار آورد که می توانند بنا بر اهمیت نفتِ خلیج فارس برای رشد اقتصاد جهانی به مداخله کشورهای بزرگ دنیا منجر شوند.

دونالد ترامپ همان طور که در کارزار انتخاباتی اش وعده داده بود، تحت شعار "آمریکا اول" و به قصد احیای "عظمت امریکا" اقدامات جدی ای را به مورد اجرا گذاشت. یکی از این اقدام های اخیر او، ارسال نیروی نظامی و دریائی بیشتر در منطقه خلیج فارس برای حفظ کنترل کامل بر منابع نفت و گاز در خاورمیانه است. گرچه در گذشته هم آمریکا به منظور دفاع از منافع جناح های سرمایه نظامی - صنعتی و کارتل های نفتی، سیاست های خود را برای حفظ توازن نظامی در منطقه و دفاع از امنیت منطقه خاورمیانه و با تشدید تنش و سلطه گری و افزایش فروش تسلیحاتی بین کشورهای منطقه را به پیش برده و عملاً جنگ های خانمانسوزی را همراه با قربانیان فراوان و انبوه بی شماری از آوارگان، به ساکنین این منطقه تحمیل کرده است. در این میان دیگر قدرت های بزرگ جهانی نیز، چون روسیه با حمایت سیاسی و نظامی از دیکتاتوری ها در منطقه، از جمله دیکتاتوری بشار اسد در سوریه و حمایت سیاسی نظامی از جمهوری اسلامی در ایران، به تداوم این بحران ها دامن می زنند. اتحادیه اروپا و چین نیز از قافله مداخله برای حفظ منافع و نفوذ خود در منطقه خاورمیانه عقب نمانده اند و آشکار و پنهان به دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل آمریکا دست می زنند. اما ترامپ استراتژی خود را با منشی سلطه گرانه و برتری طلبانه دنبال می کند. اعلام خروج یکجانبه آمریکا از "برجام" و اعمال شدیدترین تحریم های مالی، بانکی، اقتصادی، تجاری، نفتی و ... تشدید جنگ اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران نمونه های شاخصی از این سیاست است. آمریکا می کوشد با استفاده از موقعیت برتر مالی، اقتصادی و نظامی خود نسبت به دیگر کشورهای جهان و سیاست های جلب

حمایت متحدینش در منطقه و جهان، نفوذ و توسعه طلبی نظامی - ایدئولوژیکی اسلامی - شیعی رژیم تمامیت خواه و حاکم بر ایران را مهار سازد.

سیاست‌های تنش‌زا و توسعه طلبانه جمهوری اسلامی

در ادامه سیاست‌های تنش‌آمیز، مداخله‌گرانه و برتری طلبانه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در کنار کمک‌های مالی و نظامی به نیروهای شیعه مدافع خود در کشورهای دور و نزدیک و جنجال تبلیغاتی روزانه، جمهوری اسلامی ایران مبنی بر صدور انقلاب و جهان‌نگیر شدن اسلام از طریق تبدیل شدن به قدرتمندترین کشور منطقه که برای برخی از دولت‌ها عامل بی‌ثباتی و تهدید امنیتی ارزیابی می‌شود، سبب نزدیکی‌ها و تشکیل ائتلاف‌های بی‌سابقه نظامی و سیاسی بین حکومت‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای قدرتمند بین‌المللی، متشکل از آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای همکاری خلیج فارس برای مقابله با نفوذ نظامی سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در کشورهای عراق، سوریه، جنوب لبنان، نوار غزه، یمن و افغانستان شده است. این ائتلاف‌ها می‌توانند به مداخله و حمله نظامی به ایران منتهی شوند.

خطر جنگ و حمله نظامی به ایران

افزایش حجم خرید تسلیحاتی کشورهای عربی در راستای تحقق سیاست‌های دفاعی خود و متحدینشان در منطقه به قصد حفظ منافع خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران، معاملات تسلیحاتی کلان کشورهای نفت‌خیز عربی یکی از موثرترین اقدامات در جهت سرریز شدن درآمدهای نفتی این کشورها به بازار فروش کشورهای تولیدکننده سلاح و تجهیزات جنگی بوده است که نقش مهمی در ایجاد توازن ارزی در بازار و ثبات اقتصادی این کشورها داشته و سودهای کلانی را برای دلان آن در این کشورها به ارمغان می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران نیز برای تحقق برنامه‌های توسعه طلبانه ایدئولوژیکی شیعه‌گری و نظامی‌اش مبنی بر کسب جایگاه برتر در منطقه، تاکنون هزینه‌های هنگفتی را به مردم ایران به قیمت از بین بردن رفاه عمومی، رشد و تشدید فقر در وسیعترین اقشار و طبقات اجتماعی مردم تحمیل کرده است و پیامدهای سرکوبگرانه‌ای برای جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی مردم در ایران

داشته است.

در چنین وضعیتی، با همسویی و همگرایی هر چه بیشتر جناح های هیئت حاکمه (اصول گرایان، اعتدالیون و اصلاح طلبان) در ادامه سیاست های تنش زا و بحران ساز جمهوری اسلامی، با توجه به تغییر و تحولات منطقه ای و تشدید مداوم تخاصمات و تحریم های بین المللی (خروج آمریکا از برجام، تشکیل کنفرانس بین المللی ورشو و اخیرا با قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه های تروریستی و توقف معافیت خریداران نفت ایران از طرف آمریکا...) هر زمان میتواند تاثیر تهدیدها را از حد یک جنگ روانی و پرخاشگری تبلیغاتی فراتر برده و عملا به درگیری های نظامی بکشاند. در چنین شرایطی با وخیم تر شدن اوضاع و تلاشی شیرازه زندگی میلیون ها تن از ساکنین منطقه، نه تنها امنیت خاورمیانه بلکه صلح جهانی به طور جدی در خطر خواهد افتاد.

رشد اعتراضات، مقاومتها و مبارزات مردمی

بدتر شدن وخامت اوضاع اقتصادی، معیشتی، گرانی های کمر شکن و تشدید سرکوب و خفقان بیش از پیش و بی سابقه به رشد سلسله اعتراضات گسترده سراسری و تظاهرات خیابانی و اعتصاب های کارخانه ای کشیده است. به گزارش سازمان عفو بین الملل در بهمن ماه ۱۳۹۷، رژیم در سال پیش نیز همچون 40 سال گذشته با بیشتر امنیتی کردن فضای سیاسی و فشار بی حد به حوزه عمومی، اقدام به سرکوب گسترده تر اعتراض های کارگران، زنان، معلمان و فرهنگیان، دانشگاہیان و دانشجویان، بازنشستگان، کنشگران ملیتی، کشاورزان، فعالان محیط زیستی، رانندگان و کامیون داران، پیروان مذاهب غیر شیعی، فعالین حقوق بشری و وکلای مدافع این حقوق، کنشگران مدنی، مالباختگان، نویسندگان و تشکل های سیاسی منتقد به طور سیستماتیک کرده است. جنبش کارگری در همین سال با برپایی اعتصاب های طولانی مدت و همزمان و نیز اعتصاب های سراسری مرحله نوینی از همبستگی مبارزاتی را نشان داد. از این رو تحت شدیدترین ضربات نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت. با این حال وضعیت نابسامان اجتماعی ناشی از بحران های چندگانه ساختاری و تشدید فشارهای اقتصادی به رشد اعتراضات کمک کرده و زمینه های مناسبی را در بستر مبارزات جاری برای دگرگونی های بنیادین نظام به وجود آورده است. البته تغییرات بنیادین مشروط بر این که از یک سوی، جنبش های اجتماعی از همسوئی

لازم برای رسیدن به دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی برخوردار باشند و از سوی دیگر، نیروهای اپوزیسیون مترقی، به ویژه جمهوری خواهان دموکرات از صفوفی متشکل و مبتنی بر برنامه روشن برای این تغییر و تحولات در پهنه سیاسی کشور، حضوری برجسته ای پیدا کنند.

در سال گذشته در هم آمیزی بحران های چندگانه رژیم در سطح سیاست های داخلی و خارجی به خصوص پس از شورش سراسری دی ماه 1396 و ادامه سلسله اعتراضات و اعتصاب های اقشار و طبقات زحمتکش و ستم دیده، از آن زمان تا کنون علیه نابسامانی های موجود ناتوانی های حکومت در رفع بحران ها بیش از هر زمان به نمایش گذاشت و روند فروپاشی نظام را نمایان تر کرد. در اثر این شرایط پهنه سیاسی کشور بار دیگر شاهد جنب و جوش های تازه در صفوف مخالفان رژیم شد که به دنبال آن نزدیکی ها و دوری های جریانات سیاسی جدیدی را به بارآورد.

اوضاع اپوزیسیون

بخشی از نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی با تکیه به حمایت های مالی، امنیتی، سیاسی، اطلاعاتی قدرت های جهانی از جمله آمریکا، چشم به راه مداخلات سیاسی، اقتصادی و نظامی ائتلاف ارتجاع جهانی و منطقه به رهبری آمریکا نشسته اند و نجات از استبداد دین سالار جمهوری اسلامی را در بازگشت به استبداد مخلوع، شاه سالاری، به مردم وعده می دهند و به امید "تعویض رژیم" توسط کاخ سفید روز شماری می کنند و بخشی به وساطت بنیادگران مذهبی ارتجاعی - افراطی مانند بولتون و پمپئو و جولیان، رویای کسب قدرت پس از سقوط رژیم توسط ترامپ و همکارانش را در سر می پروراندند. بخشی دیگر با تکیه بر ارزیابی شتاب زده خود می پندارد که رژیم در آستانه فروریزی بسیار نزدیک است و بزودی روز موعود فرا می رسد و تنها کار مهم و لازم نیروهای مخالف نظام جمهوری اسلامی تنها تدارک "مدیریت و رهبری" دوران پسا براندازی است.

لزوم همکاری جمهوری خواهان دموکرات

ما و بسیاری از مخالفین جمهوری اسلامی بر این باوریم که نظام حاکم با تاکید و تکیه بر توانمندی جنبش های اجتماعی آزادی خواه،

دموکراتیک و عدالت جوی مردم ایران و به پشتوانه نیروها و نهادهای مردمی و مترقی و بشر دوست جهانی، امر رهایی از ستم های طبقاتی، ملیتی، جنسیتی و... را در راستای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ایجاد جمهوری، دموکراسی و جدائی دولت و دین بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر می دانند. این بخش از اپوزیسیون به رغم داشتن نفوذ معینی در میان گروه ها و اقشار پیشرو جامعه و برخورداری از توان های فکری و عملی، هنوز با پراکندگی شدید رو به رو است و فاقد همسوئی و هماهنگی های لازم برای تأثیرگذاری بر روند جنبش های اجتماعی در ایران است. برای رفع این کمبود و همچنین به منظور تحقق همگرایی به عنوان نیاز مبرم جنبش، جمهوری خواهان دموکرات و لائیک و جریان های سیاسی این طیف گسترده، می باید بیش از پیش، گام های جدی در راه همکاری های ضروری میان خود بردارند.

ما بر این باوریم که از یک سوی با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و تشخیص تفاوت ها و نزدیکی ها به منظور ایجاد تفاهم و از سوی دیگر با سازماندهی به فعالیت های مشترک بر پایه اصول و ارزش های جمهوری خواهانه و دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر، می توان بستری برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران بوجود آورد. در شرایط کنونی تنها در روند یک چنین مبارزه مشترکی است که می توان جایگاه برجسته ای در پشتیبانی از جنبش های اجتماعی در ایران برای دست یابی به آزادی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی پیدا کرد.

با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و تشخیص تفاوت ها و نزدیکی ها به منظور ایجاد تفاهم از یک سو و از سوی دیگر با سازماندهی به فعالیت های مشترک بر پایه اصول و ارزش های جمهوری خواهانه و دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر می توان بستری برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران بوجود آورد. در شرایط کنونی تنها در روند یک چنین مبارزه ی مشترکی است که میتوان جایگاه برجسته ای در پشتیبانی از جنبش های اجتماعی در ایران برای دست یابی به آزادی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی پیدا کرد.

شوربختانه پهنه سیاسی کشور در سال های اخیر شاهد روی آوری شخصیت ها، نیروها، احزاب سیاسی و حتا بخش هایی از توده های ناراضی مردم به "حمایت های" قدرت های جهانی است که بی تردید میتوان آن را یکی از پیامدهای ضعف و ناتوانی نیروهای جمهوری خواه دموکرات در مبارزات جاری مردم ایران و فقدان حمایت و پشتیبانی سازمان ها

احزاب و جریان های مترقی جهانی دانست. تا زمانی که در درون و برون مرزهای کشور هنوز بدیل اجتماعی قابل قبولی برای پسا جمهوری اسلامی بوجود نیامده و نیروهای جمهوری خواه دموکرات هنوز زبان گویای نارضائی ها و اعتراض های به حق مردمی نشده اند، مشکل می توان تصور کرد که نیروها، احزاب و تشکل های دموکراتیک و آزادی خواه جهانی به عنوان پشتیبانان بین المللی و حمایت کنندگان مبارزات مردمی پا به میدان بگذارند. در چنین کمبودی، جذابیت و تاثیر گذاری دستگاه های تبلیغاتی قدرت های خارجی دو چندان است.

وظیفه جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

جمهوری خواهان دموکرات و لائیک (هواداران جدایی دولت و دین) به عنوان بخش قاطع و رادیکال مخالف رژیم جمهوری اسلامی با نگاهی واقع بینانه و بدور از ارزیابی های شتابزده و جنجالی رسانه ها، باید با سازماندهی مبارزه ای فراگیر، مشترک و همسو، گام های جدی در راه ایجاد اپوزیسیونی توانمند و مورد اعتماد و اعتبار بردارند تا بتوانند از مبارزات و جنبشهای اجتماعی در ایران به صورت شایسته و درخوری پشتیبانی کنند. بویژه در دورانی که نظام در حل بحران های ناشی از 40 سال سیاست های نادرست و مخرب ناکارآمد و سرکوبگر خود، روز به روز ناتوان تر شده است. به طور کلی در نبود یک اپوزیسیون آزادی خواه استقلال طلب و جمهوری خواه در ایران، هر زمان این خطر وجود دارد که اعتراضات و حتا شورش های مردمی گسترده به ابزاری در خدمت منافع نیروهای ارتجاعی داخلی یا خارجی یا ائتلافی از این دو، قرار گیرند و تلاش های مردم برای دست یافتن به دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی، برابر حقوقی و استقلال، بار دیگر برای ده ها سال به تعویق افتد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران بر خود می داند که به موازات استقبال از فراخوان های متعدد نیروهای جمهوری خواه و دموکرات به منظور سازماندهی همکاری های مشترک، تلاش های تاکنونی خود را در راستای شکل گیری همکاری های منسجم نیروهای این طیف و برای پشتیبانی از جنبشهای اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان ایران ادامه دهد. این همکاری ها چه در شکل موردی و چه در نوع پایدار آن می توانند راهکارهای موثری در راستای پشتیبانی از جنبشهای اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان ایران باشند. بدون تشکیل جبهه گسترده نهادها، جریان ها و احزاب جمهوری خواه،

دموکرات و طرفدار جدایی دین از دولت و بدون پیوند تنگاتنگ آنها، تحقق جمهوریت، دموکراسی و جدائی دولت و دین در ساختاری تمرکززدا (در اشکال: خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...) در ایران میسر نخواهد شد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران به رغم پافشاری بر این اصل خدشه ناپدیر که بار تعیین سرنوشت سیاسی جامعه بر دوش مردمان ایران است، بر این امر آگاه است که براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی، همچنین در گرو پشتیبانی وسیع افراد، نیروها، نهادها و احزاب آزادی خواه، دموکراسی طلب و بشر دوست جهانی است.

پوینده باد جنبش های اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان ایران!

زنده باد همبستگی بین المللی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

بر قرار باد جمهوری، دموکراسی، جدائی دولت و دین!

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

8 ژوئیه 2019 - 17 تیر 1398

تذکر: این بیانیه سیاسی در گردهمایی سراسری نهم جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران (11-12 مه 2019 - 21-22 اردیبهشت 1398)، در کلیات خود مورد تأیید گردهمایی قرار گرفت. در تاریخ 8 ژوئیه 2019 - 17 تیر 1398، در نشست رسمی همراهان جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، به تصویب برای انتشار عمومی رسید.